



تحلیلی بر نقش نظام‌های میراث کشاورزی مهم جهانی در صیانت از دانش سنتی کشاورزی

نسرین شوهان^{۱*}، نعیمه زلالی^۲ و سمر خیامیم^۳

۱. کارشناس مرکز ملی مدیریت منابع ژنتیکی کشاورزی و منابع طبیعی کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران

۲. کارشناس مرکز ملی مدیریت منابع ژنتیکی کشاورزی و منابع طبیعی کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران

۳. دانشیار، مرکز ملی مدیریت منابع ژنتیکی کشاورزی و منابع طبیعی کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران

* نویسنده مسئول: n.shohan@areeo.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

چکیده

در عصر حاضر، حفاظت از دانش سنتی کشاورزی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و زیستی ملت‌ها با چالش‌هایی جدی مواجه است. در این میان، نظام میراث کشاورزی مهم جهانی (GIAHS) که توسط سازمان فائو طراحی شده، ظرفیت‌های منحصر به فردی را برای پاسداری از این سرمایه ناملموس فراهم می‌آورد. این نظام با رویکردی کل نگر و آینده نگر، کشاورزی زراعی-بوم‌شناختی را در چارچوبی پایدار تلفیق کرده و به عنوان مدلی معتبر برای توسعه روستایی، حفاظت از تنوع زیستی کشاورزی و صیانت از فرهنگ و دانش بومی کشاورزی شناخته می‌شود. این نظام، نه تنها امکان شناسایی و ثبت دانش بومی را در سطح بین‌المللی فراهم می‌آورد، بلکه با تأکید بر استمرار، پویایی و مشارکت محلی، شرایط لازم برای حفاظت واقعی از این میراث ناملموس را مهیا می‌سازد. مقاله حاضر با رویکرد مروری-تحلیلی به بررسی مولفه‌های جیاس می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه این چارچوب می‌تواند با ویژگی‌های خاص دانش سنتی همچون شفاهی بودن، مالکیت جمعی، پویایی و بین‌نسلی بودن هم‌راستا شده و زمینه حفاظت مؤثر از آن را فراهم آورد. نتایج نشان می‌دهد که جیاس نه تنها به عنوان سازوکاری جایگزین برای نظام‌های مالکیت فکری رایج عمل می‌کند، بلکه ابزار عملی برای مستندسازی، احیا و بهره‌برداری پایدار از دانش بومی در سطح جوامع محلی به شمار می‌آید. بر این اساس، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران ملی با تکیه بر ظرفیت‌های جیاس، بستری جامع و قابل اعتماد برای صیانت از دانش سنتی فراهم آورند.

واژه‌های کلیدی: حفاظت از دانش بومی، دانش سنتی، مالکیت فکری، میراث کشاورزی

مقدمه

ثابت کند.

مفهوم دانش سنتی

دانش سنتی^۲ به مجموعه‌ای منسجم، پویا و زنده از شناخت‌ها، مهارت‌ها، فنون، باورها و ابداعات گفته می‌شود که در بستر زندگی روزمره جوامع محلی شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این دانش ریشه در سنت، عرف، آداب و رسوم و تجربه زیسته مردمان هر جامعه دارد و اغلب به صورت شفاهی و در چارچوب تعاملات اجتماعی و فرهنگی منتقل می‌شود (Commission on Intellectual Property Rights, 2002). برخلاف تصور رایج، «سنتی» بودن این دانش به معنای قدیمی یا منسوخ بودن آن نیست، بلکه به نحوه شکل‌گیری، نگهداری و انتقال آن در درون یک فرهنگ خاص اشاره دارد. این دانش همچنان زنده، در حال تحول و وابسته به زندگی معاصر جوامع محلی است و نه تنها بازتابی از ارزش‌ها و نیازهای آن‌هاست، بلکه بخشی از هویت فرهنگی و ابزار بقا و سازگاری آن‌ها با محیط طبیعی و اجتماعی نیز به شمار می‌آید (Hansen & Van Fleet, 2003).

دانش سنتی دامنه‌ای وسیع از حوزه‌ها مانند کشاورزی، مدیریت منابع طبیعی، بهداشت، معماری، هنرهای سنتی، زبان و فناوری‌های محلی را دربر می‌گیرد و اغلب به صورت جمعی خلق و محافظت می‌شود. این دانش، علاوه بر ارزش فرهنگی، ظرفیت بالقوه‌ای برای تولید ثروت و توسعه پایدار دارد و پیوندی دیرینه با زیست‌بوم، آداب و رسوم و ساختار اجتماعی جوامع بومی دارد (WIPO, 2013). در مجموع، دانش سنتی نه دانش ساکن و ایستا، بلکه پدیده‌ای پویا، تجربی و اجتماعی است که بر پایه تعامل مداوم انسان با طبیعت و فرهنگ شکل گرفته و استمرار یافته است (McManis, 2007). ویژگی‌هایی

در دهه‌های اخیر، افزایش نگرانی‌ها در خصوص از بین رفتن دانش‌های بومی و سنتی، توجه نهادهای بین‌المللی را به طراحی الگوهای حفاظت معطوف ساخته است. یکی از مهم‌ترین این ابتکارات، نظام میراث کشاورزی مهم جهانی^۱ (GIAHS) است که در سال ۲۰۰۲ توسط سازمان فائو پایه‌گذاری شد. این نظام با هدف شناسایی و حفاظت از نظام‌های کشاورزی سنتی که دارای تنوع‌زیستی، دانش بومی و نظام‌های معیشتی و فرهنگی منحصر به فرد هستند، شکل گرفته و از طریق رویکرد صیانت پویا به مقابله با تهدیداتی چون تغییرات اقلیمی و تخریب محیط‌زیستی می‌پردازد (Anticona et al., 2023).

نظام میراث کشاورزی مهم جهانی بر ظرفیت‌های بومی و تاریخی نظام‌های کشاورزی متکی است؛ نظام‌هایی که در طول زمان به واسطه دانش سنتی و تجربیات زیسته نسل‌ها، پایداری و کارآمدی خود را حفظ کرده‌اند (سلطانی و کیانی‌راد، ۱۴۰۲). در این میان، دانش سنتی کشاورزی به عنوان بخش لاینفک این نظام‌ها، نه دانشی ایستا و منسوخ، بلکه پویایی زنده و در حال تحول است که در بستر فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی جریان دارد. با وجود این، ویژگی‌هایی چون انتقال شفاهی، مالکیت جمعی و نبود مستندسازی رسمی، موجب شده است که این دانش از دایره حمایت نظام‌های کلاسیک مالکیت فکری خارج بماند. در چنین شرایطی، جیاس می‌تواند با ساختار منعطف و جامعه‌محور خود، بستری مکمل و مؤثر برای حفاظت، احیا و انتقال بین‌نسلی دانش سنتی فراهم آورد.

بر این اساس، این مقاله در پی آن است که با رویکردی مروری-تحلیلی، ظرفیت‌های نظام جیاس را در حفاظت از دانش بومی کشاورزی بررسی کرده و برتری نسبی آن در صیانت از این دانش ارزشمند را نسبت به چارچوب‌های رایج حقوق مالکیت فکری

1-Globally Important Agricultural Heritage

Systems (GIAHS)

2-Traditional Knowledge

دامداری، درمان‌های محلی و مدیریت منابع (بذرافکن، ۱۳۹۹).

✓ تجویبی: این دانش حاصل تجربه‌های زیسته است و از طریق آزمون و خطا در طول زمان به دست آمده است.

✓ شفاهی: دانش سنتی عمدتاً از طریق گفتار و تعامل مستقیم میان نسل‌ها منتقل می‌شود، نه از راه اسناد مکتوب یا رسمی. این انتقال اغلب در قالب داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌های محلی، رسوم، یا مشارکت عملی (مانند کشاورزی یا درمان) صورت می‌گیرد (بارانی و شهرکی، ۱۳۹۱).

✓ کل‌نگر: دانش سنتی برخلاف دانش علمی رایج که معمولاً تخصصی و جزئی‌نگر است، با نگاهی جامع و بین‌رشته‌ای به پدیده‌ها می‌نگرد. در این نظام دانشی، انسان، طبیعت، فرهنگ، باورها و اقتصاد به صورت به هم پیوسته در نظر گرفته می‌شوند (چرامین و همکاران، ۱۳۹۵).

همچون پویایی، وابستگی به جامعه، مالکیت جمعی و انتقال غیررسمی، آن را از نظام‌های رسمی دانش محور و حقوق مالکیت فکری متمایز می‌سازد. ویژگی‌های دانش بومی به طور خلاصه در شکل (۱) نشان داده و در ادامه نیز به شرح مختصری از هر یک از این ویژگی‌ها پرداخته شده است.

✓ سازگار با شرایط اقلیمی: دانش بومی مبتنی بر تعامل طولانی مدت انسان با محیط طبیعی است و به گونه‌ای شکل گرفته که با اقلیم محل تطابق دارد (WIPO, 2012).

✓ سازگار با زندگی بومی: این دانش بازتابی از نیازها، سبک زندگی و اولویت‌های جوامع محلی است و در جهت پاسخ به مسائل آن‌ها عمل می‌کند (میرشمسی و جرفی، ۱۳۹۴).

✓ کاربردی بودن: دانش بومی به صورت مستقیم در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد و کاربردهای عملی دارد، به ویژه در کشاورزی،



شکل ۱- ویژگی‌های دانش بومی

✓ سازگار با فرهنگ بومی: این دانش در چارچوب فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و آیین‌های محلی معنا می‌یابد (بذرافکن، ۱۳۹۹).

✓ در حال تغییر و پویایی: برخلاف تصور رایج، دانش بومی ایستا نیست؛ بلکه همواره در حال تحول و انطباق با تغییرات محیطی، اجتماعی و اقتصادی است.

✓ در حال نابودی: دانش سنتی در بیشتر زمینه‌ها مستند نشده است به همین دلیل در معرض خطر و عدم انتقال به نسل آینده است (Dweba & Mearns, 2011).

چالش‌های ثبت و حفاظت از دانش سنتی در قالب‌های حمایتی مالکیت فکری

نظام‌های مالکیت فکری - نظیر حق اختراع، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و حق مؤلف - برای حفاظت از آثار و نوآوری‌های فردی با خالق یا مبتکری مشخص طراحی شده‌اند. این نظام‌ها بر محور حقوق انحصاری فردی بنا شده‌اند که اجازه بهره‌برداری و منع استفاده بدون اجازه از اختراع یا اثر را به صاحب آن می‌دهند. در حالی که این منطق در مورد بسیاری از دستاوردهای علمی و صنعتی معاصر کارآمد است، هنگامی که پای دانش سنتی به میان می‌آید، کارایی آن با چالش‌های اساسی مواجه می‌شود. دانش سنتی در اغلب موارد ویژگی‌هایی دارد که آن را از قالب‌های متداول حقوق مالکیت فکری متمایز می‌کند. در ادامه به تحلیل مهم‌ترین چالش‌های تطبیق این نوع دانش با قالب‌های قانونی موجود پرداخته می‌شود:

➤ چالش تازگی و بدیع بودن: یکی از ارکان بنیادین نظام ثبت اختراع، نو بودن ایده یا محصول است (فتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱)؛ اما ماهیت تاریخی و ریشه‌دار دانش سنتی، آن را از معیار «جدید بودن» دور می‌سازد. این دانش اغلب بر پایه انتقال بین‌نسلی شکل گرفته و غنی شده است، نه کشفی ناگهانی از سوی فردی خاص. بنابراین، با اینکه می‌تواند دارای ارزش فناوریانه و کاربردی بالا باشد، به دلیل سابقه تاریخی خود از دایره ثبت اختراعات خارج می‌شود.

➤ مالکیت جمعی در برابر فردمحوری نظام‌های حقوقی: دانش سنتی غالباً متعلق به یک فرد خاص نیست بلکه ثمره تعامل و آزمون و خطای جمعی یک جامعه، قوم یا خانواده طی نسل‌هاست (عزیزی مرادپور، ۱۳۹۷). در حالی که، نظام‌های حقوقی رایج، به شناسایی و اعطای حقوق انحصاری به افراد خاص محدود شده‌اند، در مورد دانش سنتی مالکیت جمعی و لزوم احترام به حقوق مشترک اجتماع به رسمیت شناخته نمی‌شود. این ناهمخوانی، تضادی بنیادین در مسیر حفاظت قانونی از این نوع دانش پدید می‌آورد.

➤ محدودیت زمانی حمایت: نظام‌های حقوق مالکیت فکری معمولاً حمایت زمانی محدودی (مثلاً ۲۰ ساله) را برای آثار و اختراعات قائل هستند. این در حالی است که دانش سنتی نه تنها تاریخی بلندمدت دارد، بلکه در حال حاضر نیز پویا و در حال تکامل است. لذا، حمایت از آن نیز نیازمند الگوی زمانی متفاوت و طولانی‌تر است تا از سوءاستفاده‌های آتی جلوگیری شود و فرصت برای انتقال بین‌نسلی همچنان حفظ گردد (طریقی، ۱۳۹۰).

➤ ماهیت پیچیده حقوقی دانش سنتی: دانش سنتی الزاماً در قالب‌های شناخته‌شده مالکیت فکری مانند اختراع یا حق مؤلف نمی‌گنجد. برای مثال، در مورد دانش سنتی دارویی، ممکن است گروهی بومی با آزمون و تجربه، راهکاری درمانی ابداع کرده باشند؛ اما به دلیل نبود مدارک رسمی یا عدم مطابقت با ساختار نظام ثبت اختراع، قادر به ثبت آن نیستند (فتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). در عین حال، شرکت‌هایی می‌توانند با بهره‌گیری از این دانش و بدون تسهیم منافع، اختراعی به نام خود ثبت کنند. این وضعیت موجب بروز بی‌عدالتی و تضییع حقوق جوامع بومی می‌شود.

➤ معیار مفید بودن و ابتکاری بودن: طبق ماده ۲۷ معاهده تریپس، یک اختراع باید نه تنها جدید، بلکه مفید و غیربدیهی باشد (منفرد، ۱۳۹۴). این دو معیار

نیز در مورد دانش سنتی ایجاد چالش می‌کند. اثبات مفید بودن یا غیربیدیهی بودن دانش سنتی، به‌ویژه در مواردی که فاقد پشتوانه علمی و مستند است، برای بسیاری از دارندگان آن دشوار است. در نتیجه، برخی جوامع بومی ممکن است بتوانند دانش خود را ثبت کنند در حالی که دیگران، به دلیل ناتوانی در اثبات علمی مفید بودن، از این امکان محروم می‌شوند. این امر به نوعی تبعیض ساختاری میان گروه‌های مختلف از دارندگان دانش سنتی منجر می‌شود.

➤ **شفاهی بودن و عدم مستندسازی:** بخش زیادی از دانش سنتی به صورت شفاهی منتقل شده و فاقد اسناد مکتوب رسمی است. این ویژگی، کار بررسی و راستی‌آزمایی ادعاهای مربوط به آن را در فرآیند ثبت دشوار می‌سازد. در غیاب مدارک مستند، اثبات مالکیت و اصالت دانش برای جوامع بومی بسیار دشوار است و زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کند.

بیان مسئله

با توجه به ویژگی‌های بنیادین دانش سنتی، به نظر می‌رسد این دانش در قالب هیچ‌یک از شاخه‌های متعارف حقوق مالکیت فکری قرار نمی‌گیرد. چارچوب‌های رایج این نظام‌ها، نظیر حق اختراع یا حق مؤلف، دارای محدودیت زمانی هستند و پس از پایان دوره حمایت، آثار مورد نظر در اختیار عموم قرار می‌گیرند. در حالی که ماهیت میان‌نسلی، جمعی و پویای دانش سنتی، مستلزم حمایت بلندمدت یا حتی دائمی است. از این رو، حمایت مؤثر از این نوع دانش تنها در صورت طراحی و پیاده‌سازی یک نظام حقوقی ویژه و اختصاصی ممکن خواهد بود.

عدم انطباق معیارهای رسمی نظام مالکیت فکری با مختصات منحصربه‌فرد دانش سنتی، مانعی ساختاری در مسیر صیانت از این میراث زنده به شمار می‌رود. برای جبران این خلأ، بازنگری در قوانین موجود، به رسمیت شناختن حقوق جمعی

جوامع بومی، مستندسازی نظام‌مند دانش شفاهی و طراحی مکانیسم‌های مشارکتی و منعطف، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تنها با تحقق چنین سازوکارهایی می‌توان از زوال تدریجی و بهره‌برداری ناعادلانه از این سرمایه فرهنگی و فناوری جلوگیری کرد.

با این حال، توجه بهره‌گیری از نظام مالکیت فکری برای حفاظت دائمی از دانش سنتی، با منطق فایده‌گرایانه حاکم بر این نظام‌ها چندان سازگار نیست. بسیاری از دولت‌ها و جوامع بومی، برخی ابعاد دانش سنتی را فاقد ماهیت تجاری دانسته و معتقدند نباید آن را صرفاً به عنوان منبعی اقتصادی در نظر گرفت (فتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). از این رو، طراحی و اجرای سازوکارهایی خارج از چارچوب‌های رایج مالکیت فکری، به منظور حمایت مؤثر و دائمی از این نوع دانش، امری ضروری تلقی می‌شود.

در این میان، ابتکار سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) در معرفی و ثبت نظام‌های میراث کشاورزی مهم جهانی، فرصتی بسیار مهم و منحصربه‌فرد برای حفاظت از دانش سنتی روستایی فراهم می‌آورد. پرسش اساسی این پژوهش آن است که چگونه چارچوب جیاس می‌تواند به عنوان یک مکانیسم بین‌المللی در خدمت مستندسازی، حفاظت و ترویج دانش بومی روستایان قرار گیرد و زمینه بهره‌مندی مستقیم جوامع محلی از منافع حاصل از این دانش را فراهم آورد؟

جیاس فرصتی برای ثبت دانش سنتی

نظام میراث جهانی کشاورزی یا همان جیاس در سال ۲۰۰۲ در جریان اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، از سوی فائو به عنوان یک ابتکار مشارکتی جهانی برای حفاظت و مدیریت تطبیقی ارائه شد و مختص سیستم‌های کشاورزی است که ریشه در آئین‌های باستانی یک کشور دارد. جیاس بهترین و برجسته‌ترین نمونه‌های کشاورزی خانوادگی، سنتی و خرده‌پاست که از آزمون زمان

۳. دانش، نوآوری و فنون بومی: بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های سنتی که توسط جوامع بومی توسعه یافته و به نسل‌های بعد منتقل شده است.

۴. ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و ساختارهای سازمانی به هم پیوسته: وجود شبکه‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی که مدیریت منابع طبیعی و انتقال دانش را تسهیل می‌کنند.

۵. چشم‌اندازهای بصری بارز: الگوهای منظری کشاورزی که فناوری‌ها و سیستم‌های نوآورانه مدیریت آب و زمین را به نمایش می‌گذارند.

این معیارها در کنار هم چارچوبی جامع برای شناسایی نظام‌های کشاورزی پایدار و ارزشمند فراهم می‌کنند که نه تنها به حفاظت از دانش و تنوع زیستی کمک می‌کنند، بلکه معیشت و فرهنگ جوامع محلی را نیز تقویت می‌نمایند (FAO, 2021).

اهداف جیاس

نظام‌های جهانی مهم، نظام‌های باستانی منحصر به فردی هستند که در هر مکان جغرافیایی متناسب با اقتضائات محیط زیستی شکل گرفته و علاوه بر تامین

سربلند بیرون آمده است و الگویی برای پایداری در امنیت غذایی، اشتغال سلامتی و محیط زیست محسوب می‌شود (Anticono et al., 2023). فائو با ارائه طرح نظام‌های میراث کشاورزی مهم جهانی، به دنبال حفاظت پویا و پایدار از نظام‌های کشاورزی سنتی است؛ نظام‌هایی که طی سالیان طولانی به حیات خود ادامه داده‌اند، اما امروزه با چالش‌هایی همچون تغییرات اقلیمی، گسترش شهرنشینی و مهاجرت مواجه هستند (FAO, 2018).

سازمان فائو برای شناسایی و ثبت نظام‌های کشاورزی سنتی، پنج معیار اصلی تعریف کرده است که هر نظام باید بر اساس آن‌ها ارزیابی شود. این معیارها در شکل (۲) ارائه شده است.

۱. نقش نظام در امنیت غذایی و معیشتی جوامع محلی و بومی: نظام‌های کشاورزی باید در تأمین پایدار غذای محلی و ارتقای معیشت جوامع نقش مؤثری ایفا کنند.
۲. تنوع زیستی منحصربه‌فرد کشاورزی: وجود گونه‌ها و منابع ژنتیکی متنوع و سازگار با محیط که نقش مهمی در پایداری و سازگاری سیستم دارند.



شکل ۲- معیارهای شناسایی و ثبت نظام‌های کشاورزی سنتی

امنیت غذایی مردم منطقه به مدیریت پایدار منابع طبیعی، سطوح بالای تنوع زیستی و حفاظت از هویت فرهنگی کمک کرده و منجر به حفظ و حراست از طبیعت می‌شوند. این سیستم‌ها محصول هوش و نبوغ پیشینیان بوده و در گذر زمان همچنان کارآیی خود را حفظ کرده‌اند. هدف اصلی جیاس، شناسایی و محافظت سیستم‌های میراث کشاورزی مهم جهانی در زمینه چشم‌اندازها (مناظر) تنوع‌زیستی کشاورزی به همراه دانش و فرهنگ همراه آن (دانش بومی) در سطح جهان است. سایر اهداف این نظام عبارتند از: حفاظت از تنوع‌زیستی کشاورزی و منابع ژنتیکی بومی، توسعه کشاورزی پایدار و اکولوژیک از طریق نوآوری، توانمندسازی جوامع محلی و حفظ و ترویج دانش سنتی کشاورزی و روش‌های بومی تولید کشاورزی که از نسل به نسل منتقل شده است (Bai et al., 2024). با توجه به این اهداف، جیاس به عنوان یک مدل جامع برای حفظ و ارتقای سیستم‌های کشاورزی سنتی و بومی در سطح جهانی شناخته می‌شود.

مراحل ثبت جیاس

هر کشور جهت ثبت میراث جهانی خود موظف است ابتدا این نظام‌ها را شناسایی نموده و پس از انجام مطالعات مشخص و تهیه پروپوزال مورد نیاز طبق دستورالعمل دبیرخانه جیاس فائو، پیشنهاد لازم برای ثبت جهانی سایت مورد نظر خود را به عنوان جیاس ارائه کند و پس از بررسی‌های لازم، سایت مذکور به عنوان جیاس به ثبت می‌رسد. اگرچه ثبت هر سایت به عنوان جیاس برای کشور میزبان دارای اهمیت زیادی است، ولی این مرحله آغاز راه بوده و از این مرحله به بعد، کشور میزبان موظف به اجرای "برنامه عمل" می‌باشد که در راستای "صیانت پویا" سایت مذکور تهیه شده و در پروپوزال به تصویب رسیده است و دبیرخانه جیاس علاوه بر نظارت و کنترل این فرآیند، کمک‌های فنی را در این چارچوب ارائه می‌کند.

مناطقى که با این سیستم در فائو ثبت جهانی می‌شوند، از امتیازات زیادی برای رونق گردشگری در سطح جهانی برخوردار شده و محصولاتی که در این سیستم تولید می‌شوند دارای گواهی و برند جیاس شده و قابلیت عرضه در بازارهای جهانی پیدا می‌کنند و در نتیجه از افزایش قیمت تقریبی ۵۰ الی ۶۰ درصدی برخوردار می‌شوند (ایمانی، ۱۳۹۵). فرایند کلی ثبت و اقدامات مرتبط با جیاس عبارت است از: تهیه پروپزال و ارائه درخواست کشور، بررسی اولیه توسط دبیرخانه جیاس، گروه مشاوره علمی (SAG)، ثبت و اعلام، اجرای برنامه اجرایی صیانت پایدار، کنترل و نظارت، ارزشیابی و بازبینی (FAO, 2021).

در ایران تاکنون شش نظام کشاورزی سنتی از جمله: نظام قنات‌محور کاشان (۲۰۱۴)، زعفران مبتنی بر قنات در گناباد (۲۰۱۸)، تولید انگور در دره جوزان (۲۰۱۸)، باغ‌های انجیر دیم استهبان (۲۰۲۳)، کشاورزی سنتی گردو در توپسرکان (۲۰۲۳) و باغستان‌های سنتی کهن قزوین (۲۰۲۳) به ثبت جهانی جیاس رسیده‌اند که نقش برجسته‌ای در حفظ و مستندسازی دانش سنتی کشاورزی، بهبود معیشت کشاورزان، حفظ تنوع‌زیستی و تقویت پایداری محیط‌زیستی و اجتماعی ایفا کرده‌اند.

یکی از نمونه‌های جالب ثبت و گسترش دانش بومی توسط جیاس، روش کاشت هندوانه در دل شنزارهای کویر است. این شیوه که «سمبک» نام دارد، در نظام قنات‌محور کاشان به عنوان دانش سنتی ثبت شده است. در این روش، کشاورزان برای کاشت هندوانه، چاله‌هایی به عمق یک متر و قطر ۳۰ سانتی‌متر حفر می‌کنند؛ سپس آن‌ها را با لایه‌های مختلفی از خاک و کود دامی پر می‌نمایند. ابتدا لایه‌ای از خاک سطحی که بیش از همه در معرض تابش خورشید قرار گرفته و گرم‌تر است، در کف چاله ریخته می‌شود؛ سپس حدود ۱۰ سانتی‌متر کود

دامی روی آن قرار می‌گیرد و در نهایت، روی آنها با مرطوب‌ترین لایه خاک که از کف چاله استخراج شده، پوشانده می‌شود. در ادامه، بذر هندوانه در درون خاک کاشته شده و در اطراف چاله نوعی مانع برای جلوگیری از حرکت شن و باد ایجاد می‌شود. بذرها به تدریج جوانه می‌زنند و رشد می‌کنند، در حالی که آب درون حوضچه چاله حفظ شده است. زمانی که ریشه گیاه به لایه کود دامی می‌رسد، دیگر نیازی به آبیاری مجدد نیست.

نمونه‌ای دیگر از دانش بومی که ثبت آن در جیاس به گسترش و ماندگاری آن کمک شایانی شده است، استفاده از روش یخ-آب در مدیریت و مبارزه با آفات گردو است روشی که در نظام کشاورزی سنتی گردو تويسرکان به ثبت رسیده است. در این روش کشاورزان محلی بر این باورند که آبیاری درختان گردو در فصل یخبندان می‌تواند به از بین بردن بیماری‌ها و آفات درختان کمک کند. آبیاری یخ-آب معمولاً بین نیمه دوم آذر تا نیمه اول دی انجام می‌شود زیرا دمای هوا در این بازه زمانی به پایین‌ترین حد خود می‌رسد. مدت زمان این آبیاری معمولاً ۱۶ ساعت است که بسته به دمای روز و شب تغییر می‌کند. مزایای استفاده از این تکنیک شامل: نابودی قارچ‌ها و آفات، کاهش آسیب‌پذیری درختان نسبت به سرمازدگی، افزایش مقاومت به خشکی، سازگاری با شرایط کم‌آبی و بهبود کیفیت محصول می‌شود.

در نظام سنتی کاشت انگور در دره جوزان نیز دانش سنتی مرتبط با کاشت، داشت و برداشت انگور به ثبت رسیده است. به عنوان مثال، کشاورزان برای کاشت انگور از بوته‌هایی استفاده می‌کنند که گره‌های شاخه‌هایشان به هم نزدیک بوده و محصول‌دهی بالایی دارند (در اصطلاح محلی به آنها بوقوم گفته می‌شود). زیرا انگورها روی شاخه‌های یک‌ساله و در محل گره‌ها رشد می‌کنند؛ بنابراین هرچه تعداد گره‌ها بیشتر باشد، عملکرد باغ نیز افزایش می‌یابد.

کشاورزان بهترین خاک برای تولید انگور در این منطقه را در اصطلاح خاک لات می‌نامند، خاک‌های شنی-رسی که نه رسی سنگین است و نه شنی سبک، بلکه ترکیبی از هر دو است. در این خاک، میوه انگور شیرین‌تر و بوته‌ها بهتر رشد می‌کنند. تحقیقات علمی نشان داده‌اند که در خاک‌های شنی درصد قند میوه افزایش می‌یابد، ریشه‌ها توسعه بیشتری یافته و تهویه خاک بهبود می‌یابد که در نهایت منجر به تقویت گیاه می‌شود. همچنین، خاصیت نفوذپذیری بالای این خاک‌ها باعث جذب بهتر مواد غذایی شده و ترکیب آن با خاک رس، ظرفیت نگهداری آب را افزایش می‌دهد که در نتیجه نیاز آبی گیاه کاهش می‌یابد. همچنین، کشاورزان در قدیم برای کاشت مو، خاک آوار خانه‌های قدیمی را کناره کرت‌ها می‌ریختند و باور داشتند که این خاک مقوی است.

کشاورزان ارقام محلی مقاوم مانند فخری، کرش و غیره که پوست کلفت دارند را در فصل برداشت، برداشت نمی‌کنند و تا اواسط پاییز از آن استفاده می‌کنند. کشاورزان با ریختن علف‌های خشک روی این انگورها و یا کیسه کردن این انگورها، آنها را تا اواسط پاییز و اوایل زمستان نگهداری می‌کنند تا بتوانند از آن استفاده کنند.

تطبیق ویژگی‌های دانش سنتی با معیارهای ثبت جیاس
از آنجائیکه ماهیت برنامه عمل صیانت پویا از سایت جیاس به مضامین و فرآیندهای مورد انتظار در ثبت دانش سنتی بسیار نزدیک بوده و در یک راستا قرار می‌گیرند؛ ثبت دانش سنتی در برنامه جیاس با توجه به چالش‌های ثبت دانش سنتی در سایر نظام‌های حمایتی مالکیت فکری می‌تواند به عنوان یک نظام حمایتی جایگزین نقش بازی کند.

هر چند اصل تازگی دانش سنتی در سایر نظام‌های مالکیت فکری مورد چالش قرار گرفته ولی چون جیاس این دانش را پویا فرض می‌کند و نوعی ابتکار عمل جوامع محلی برای کنار آمدن با تغییرات اقلیمی

می‌داند می‌تواند بستری مناسب برای ثبت دانش سنتی باشد. در جیاس نظام‌های فرهنگی، ارزشی و اجتماعی یک نظام کشاورزی به همراه آن ثبت و صیانت می‌شوند در نتیجه، شفاهی بودن این دانش را پذیرفته و با مستندسازی، دانش ذهنی و شفاهی نظام‌های کشاورزی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. معیار امنیت غذایی و معیشت پایدار جهت ثبت یک دانش در سایت جهانی، مفید بودن دانش محلی را ثابت کرده و از آن بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی حمایت می‌کند.

یکی از معیارهای ثبت نظام کشاورزی در جیاس در نظر گرفتن سازمان‌های اجتماعی است که خود تأییدکننده مالکیت جمعی یک دانش یا یک میراث کشاورزی است. با ثبت دانش بومی در قالب جیاس به مالکیت جمعی ارزش‌های فرهنگی و میراثی احترام گذاشته شده و امتیازات حق ثبت برای همه خانواده‌های درگیر در نظر گرفته می‌شود.

جمع‌بندی

با توجه به ناکارآمدی قالب‌های سنتی مالکیت فکری برای حمایت از دانش سنتی کشاورزی، رویکرد نظام میراث کشاورزی مهم جهانی به عنوان یک مدل مناسب برای صیانت از این دانش‌ها مطرح می‌شود. این رویکرد به ویژه در زمینه‌های کشاورزی پایدار، تنوع معیشتی و حفظ تنوع زیستی، همخوانی بالایی با ویژگی‌های خاص دانش سنتی کشاورزی دارد. در حالی که سیستم‌های مالکیت فکری سنتی بیشتر بر معیارهایی چون تازگی، مستندسازی رسمی و مالکیت فردی تأکید دارند، ویژگی‌های خاص دانش سنتی مانند شفاهی بودن، انتقال بین‌نسلی و مالکیت جمعی، آن را از شمول بسیاری از این نظام‌ها خارج می‌کند. نظام جیاس با تمرکز بر کشاورزی تلفیقی و پایدار، به طور خاص به مسائلی چون معیشت پایدار، تنوع معیشتی، تنوع زیستی کشاورزی و صیانت از

فرهنگ و دانش بومی کشاورزی پرداخته است. این ویژگی‌ها، باعث می‌شود که جیاس از چارچوب‌های رایج مالکیت فکری فراتر رفته و به ابزاری مؤثر برای حفاظت از دانش سنتی کشاورزی تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین نقاط قوت جیاس این است که با رویکردی جامع و کل‌نگر، نه تنها به ثبت و حفظ دانش سنتی کشاورزی می‌پردازد، بلکه آن را در بستر محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی حفظ کرده و به طور فعال از معیشت پایدار و تنوع زیستی حمایت می‌کند. این رویکرد پویا و تکامل‌پذیر به ویژه در مواجهه با تغییرات اقلیمی و تهدیدات محیطی اهمیت زیادی دارد، زیرا این ویژگی‌ها موجب می‌شود که دانش سنتی به طور مداوم به روز شده و حفظ شود. یکی دیگر از نقاط قوت این نظام، مشارکت نهاده شده جامعه‌های محلی در فرایند صیانت از دانش بومی است. در این سیستم، جوامع محلی به عنوان بازیگران اصلی در حفظ و انتقال دانش سنتی شناخته می‌شوند و از منافع آن بهره‌مند می‌شوند. این مشارکت فعال، نه تنها باعث تقویت هویت فرهنگی و بومی جوامع می‌شود، بلکه زمینه را برای توسعه پایدار و ارتقای کیفیت زندگی در جوامع کشاورزی فراهم می‌کند.

توصیه کاربردی

بر این اساس، با توجه به مطالب یاد شده توصیه می‌شود:

✓ جیاس به عنوان یک مدل نوین و جامع، می‌تواند در کنار چارچوب‌های مالکیت فکری معمول، نقش مهمی در حفظ و ارتقای دانش سنتی کشاورزی ایفا کند و به جوامع محلی کمک کند تا از مزایای این دانش بهره‌مند شوند و توسعه پایدار خود را تحقق بخشند. بنابراین، بایستی سیاستگذاران ملی با تکیه بر ظرفیت‌های جیاس، بستری جامع و قابل اعتماد برای صیانت از دانش سنتی فراهم نمایند.

فهرست منابع

۱. ایمانی، ف. ۱۳۹۵. معرفی «جیاس» یا نظام‌های میراث کشاورزی مهم جهان. نشریه مروج، (۱۵۴)، ۵-۱.
۲. بارانی، ح. و شهرکی، م. ر. ۱۳۹۱. فرهنگ و دانش عامیانه (مطالعه موردی: شیوه‌های سنتی و دانش بومی شترداری). دانش‌های بومی ایران، ۱، ۱۴۹-۱۸۰.
۳. بذرافکن، م. ۱۳۹۹. دانش بومی و ویژگی‌های آن. بازیابی شده از: <https://youngsociologists.com/>
۴. چرامین، م.، رحیمی، س.، زمان‌پور، م. و زعیمی، ح. ۱۳۹۵. بررسی و تحلیل نقش دانش محلی در توسعه پایدار کشاورزی روستایی. دومین همایش ملی توسعه پایدار استان کهگیلویه و بویراحمد، ۹-۱۸.
۵. سلطانی، ش. و کیانی‌راد، ع. ۱۴۰۲. جایگاه نظام میراث کشاورزی جهانی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار. اقتصاد کشاورزی و روستایی، ۱(۱)، ۷۳-۸۶.
۶. طریقی، ا. ۱۳۹۰. بررسی مفهوم دانش سنتی در سطح بین‌المللی و ضرورت پیاده‌سازی آن در حقوق ایران. بازیابی شده از: <http://www.tarighi-lawyer.ir/index.php?ToDo=ShowArticles&AID=5483>
۷. عزیزی مرادپور، ح. ۱۳۹۷. سازوکارهای موجود در نظام حقوق مالکیت صنعتی برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه. حقوق اداری، ۵(۱۴)، ۱۰۳-۱۴۰.
۸. فتحی‌زاده، ا. ه.، رجبی خاصوان، ج. و حسن‌نژاد، م. ۱۳۹۱. حمایت از دانش سنتی در پرتو مقررات موافقت‌نامه تریپس در سازمان جهانی تجارت. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۷۱، ۱۸۱-۲۰۷.
۹. کیانی‌راد، ع. ۱۳۹۷. نظام‌های میراثی کشاورزی مهم جهانی (GIAHS) فائو. تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی. (گزارش منتشر نشده).
۱۰. منفرد، م. ۱۳۹۴. تعارض اصل حمایت از اختراعات دارویی و حقوق بشر؛ تفسیر حقوقی ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس. فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری، ۱۵۱-۱۸۷.
۱۱. میرشمسی، م. ه. و جرفی، ن. ۱۳۹۴. دانش سنتی و لزوم حمایت از آن در نظام حقوقی مالکیت فکری. مجله پژوهش‌های حقوق خصوصی، ۶، ۵۶-۷۹.
12. Anticona, M.C.E., Blanco, J.L.Y., and Cristina, P.C. 2023. Characterization of potential Spanish territories for creating a national network associated with the Globally Important Agricultural Heritage Systems. Land Use Policy, 131, 106667.
13. Bai, Y., Li, X., Feng, Y., Liu, M., and Chen, C. 2024. Preserving traditional systems: Identification of agricultural heritage areas based on agro biodiversity. Plants, People, Planet.
14. Commission on Intellectual Property Rights. 2002. Integrating intellectual property rights and development policy: Report of the Commission on Intellectual Property Rights (pp. 1-178). London.
15. Commission on Intellectual Property Rights. 2003. Integrating intellectual property rights and development policy. London.
16. Dweba, T.P., and Mearns, M.A. 2011. Conserving indigenous knowledge as the key to the current and future use of traditional vegetables. International Journal of Information Management, 31, 564-571.
17. FAO. 2018. Globally important agricultural heritage systems: Combining agricultural biodiversity, resilient ecosystems, traditional farming practices and cultural identity.

18. Hansen, S.A., and VanFleet, J.W. 2003. Traditional knowledge and intellectual property: A handbook on issues and options for traditional knowledge holders in protecting their intellectual property and maintaining biological diversity (3rd ed., pp. 1–82).
19. McManis, C.R. 2007. Biodiversity and the law: Intellectual property, biotechnology and traditional knowledge. London: Earthscan.
20. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2012. Intellectual property and traditional knowledge (p. 23). Geneva: WIPO.
21. World Intellectual Property Organization (WIPO). 2013. Intergovernmental committee on intellectual property and genetic resources, Traditional knowledge and folklore: 12th session. Geneva: WIPO.